

نخستین کار جدی درباره مطبوعات ایران

محمد گلبن

صفحه‌ای نوشته است، در کتابهای دیگر به بیش از یکصد صفحه نمی‌رسد. از این رو است که می‌گوییم کار سیدفرید قاسمی یک کار جدی و از جمله تحقیقات پایه‌ای است.

وی دامنه کار خود را با وسعت دید و دقت نظری دقیق دنبال کرده و مجموعه روزنامه‌های شناخته شده و ناشناخته آن دوره شصت و یکساله را به خوبی و خیلی جدی و پرحوصله شناسانده است.

اگر سیدفرید قاسمی دامنه کار خود را به همین صورت دنبال کند، به طور مسلم تاریخ بررسی و شناخت او تا کودتای ۱۲۹۹ که پایان کار حکومت قاجار است به ۸-۹ مجلد مطول چون این دو مجلد انتشار یافته‌اش خواهد رسید. در دوره مظفری و به خصوص دوره مشروطه که بهار روزنامه‌نگاری ایران است دامنه کار ایشان گسترده‌تر خواهد بود؛ و اطلاعات بیشتری که در اختیار خواهد داشت کار او را سنگین‌تر خواهد کرد. اما چون سیدفرید قاسمی مرد کار و زحمت است مسلم از عهده بررسی دوره مظفری و مشروطه هم، بهتر از دوران محمدشاهی یا ناصرالدین‌شاهی برخوردار است. شاید من تنها کسی باشم که بیش از دیگران شاهد تلاش پیگیر سیدفرید قاسمی بر سر تدوین تاریخ مطبوعات ایران بوده‌ام. سیدفرید قاسمی در پنج سال گذشته از نماز شام تا نماز بام قلم به تخم چشم خود می‌زد و خواب و استراحت را بر خود حرام کرده بود. هر وقت من به او تلفن می‌زدم و هرگاه سراغ او می‌رفتم مشغول نوشتن بود؛ و اگر او گاهی به سراغ من می‌آمد دنبال مطلب تازه و خبر تازه‌ای آمده بود. او در این مدت پنج سال نه به مسافرت رفت و نه به میهمانی این و آن گام نهاد اگر گاهی از منزل بیرون می‌شد، روی خصلت و خوی جوانمردی که دارد برای برطرف کردن مشکلات یکی از دوستانش از منزل خارج می‌شد و باز مانند کبوتران جلد به آب‌خورد خود بازمی‌گشت و مشغول کار می‌شد.

تا کسی دست به نوشتن و تحقیق و تألیف نداشته باشد نمی‌تواند به درستی به ارزش این کار ارجمند سیدفرید قاسمی پی ببرد. سیدفرید قاسمی در طرح و برنامه‌ریزی کارهای تحقیقی، هوشیاری و دوراندیشی‌هایی دارد که من در دیگران ندیده‌ام یا اگر دیده‌ام خیلی کم است. دور تا دور اتاق کار او پر بود از کیسه پلاستیک‌هایی که بر بالای آنها نوشته بود:

«تعریف روزنامه، مجله، جریده، مطبوعه، نشریه، شب‌نامه، منابع خبری و خبر، گزارش، گفت و گو، مصاحبه، نقد، تفسیر و تحلیل، پاورقی، موزعان و نمایندگان فروش مطبوعات، حروف و

عقل و همت را نمی‌دانم کدامین برتر است

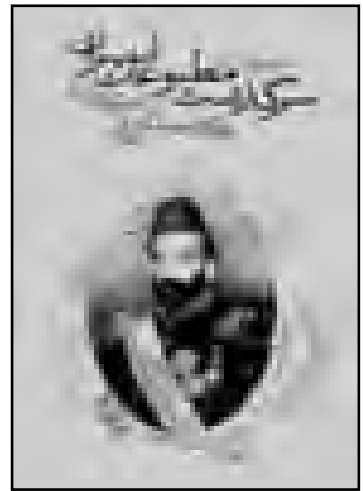
آن قدر دانم که همت هر چه کرد از پیش برد آنچه مطالعه می‌فرمایید اشاره کوتاهی به نشر دو مجلد کتاب سرگذشت مطبوعات ایران است که به همت والای محقق کوشا سیدفرید قاسمی تألیف و منتشر شده است.

نخست باید از سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپاسگزار بود که این کتاب ارجمند را به صورت شایسته‌ای به چاپ رسانده است و سپس به مؤلف بزرگوار آن تبریک گفت که کار به این خوبی را در زمینه شناخت مطبوعات شصت و یک ساله کشور با تلاش و حوصله بی‌مانند تألیف کرده است.

درباره مطبوعات کشور مقالات و رسالات، بسیار نوشته‌اند؛ از جمله سیدحسن تقی‌زاده، ادوارد براون، محمدعلی تربیت، عباس اقبال آشتیانی، سیدمحمد محیط طباطبایی، دکتر محمداسماعیل رضوانی، مسعود برزین، دکتر ناصرالدین پروین. اما تا به امروز قافله سالار این راه پر پیچ و خم، زنده‌یاد سیدمحمد صدر هاشمی بود که در اصفهان چهار مجلد فهرست جراید و مجلات کشور را تألیف و تدوین کرد و در آن روزگار رنج بسیاری بر سر این کار کشید و تا به امروز کتاب او مورد استفاده همه محققان و مراجع‌کنندگانی بوده است که درباره تاریخ مطبوعات ایران به تحقیق پرداخته‌اند. گرچه تحقیقات وی نیز درباره شصت و یکسال آغازین روزنامه‌نگاری ایران اندک و مکتوبانش به ۵۰ صفحه نیز نمی‌رسد.

همچنین از میان محققان این رشته، به غیر از کار سیدفرید قاسمی، تحقیقات دکتر ناصرالدین پروین چشمگیر است که جلد اول آن انتشار یافت و جلد دوم نیز در دست نشر است و از حق نگذیریم که آقای پروین بیشتر هم خود را صرف شناخت مطبوعات خارج از ایران کرده است. کار محققان دیگر نیاز همه مراجع‌کنندگان را برآورده نمی‌سازد.

اما نخستین کار جدی که در زمینه سرگذشت مطبوعات ایران تا به امروز انتشار یافته قسمتی از تحقیقات دامنه‌دار و پایه‌ای سیدفرید قاسمی است. دو مجلدی که با عنوان سرگذشت مطبوعات ایران انتشار یافته است، سرگذشت شصت و یکسال اولیه تاریخ مطبوعات کشور از زمان محمدشاه تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را دربردارد. مطالب مکتوب درباره این دوران، که سیدفرید قاسمی درباره آن، دو جلد کتاب دو هزار و هفتاد



سرگذشت مطبوعات ایران
(روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار)
تألیف سیدفرید قاسمی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان
چاپ و انتشارات و مرکز مطالعات و
تحقیقات رسانه‌ها،
دو مجلد، ۱۳۸۰

دو مجلدی که با عنوان سرگذشت مطبوعات ایران انتشار یافته است، سرگذشت شصت و یکسال اولیه تاریخ مطبوعات کشور از زمان محمدشاه تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را دربردارد



رنجی را بر خود هموار کرده است و چه آگاهانه به برخی از مسائل روزنامه‌نگاری ایران پرداخته است که در دید دیگران افق نزدیکی هم نبوده است.

من اگر به محسنات این کتاب توجه بیشتری نشان می‌دهم، برخی گمان می‌کنند که من روی دوستی و ارادتی که به سیدفرید قاسمی دارم این محسنات را برای کتاب او برمی‌شمارم. اما حقیقت جای دیگر می‌نشیند و اگر آنچه را که من اطلاع دارم بازنگویم، برخی دیگر نیز احساس می‌کنند که حقیقت پوشی کرده‌ام و نخواستهم به ارزش واقعی این کتاب بپردازم.

در بخش‌بندی موضوعی کتاب، سیدفرید قاسمی به مسائلی در کار نشر روزنامه‌نگاری ایران توجه داشته که هیچ‌یک از محققان دیگر به این مسائل توجه نکرده‌اند. در اینجا برای بهتر نشان دادن ارزش این کتاب به چند موضوع اشاره می‌کنم. روزنامه‌آرذوی همایون، شرح اولین سفر ناصرالدین شاه به خراسان است. از این روزنامه تا سال گذشته هیچ محقق تاریخ مطبوعات اطلاعی نداشت. سیدفرید قاسمی آن را به دست آورد و ظرف چند روز آن را چاپ و منتشر کرد. برای همین چهار شماره ده صفحه‌مطلب فشرده نوشته است و اسامی ملتزمین رکاب ناصرالدین شاه را در این سفر معرفی کرده است.

روزنامه علمی را نیز که در مجموع ۶۴ شماره منتشر شده شماره به شماره معرفی و به تاریخ نشر و مطلب آن پرداخته است و ۲۶ صفحه درباره این روزنامه مطلب نوشته است. روزنامه اکودوپرس به مدیریت محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) را که تا سال گذشته محققان رشته روزنامه‌نگاری کشور هم آن را ندیده بودند به محض اینکه اطلاع پیدا کرد دوره‌ای از آن در اختیار من است نسبت به معرفی آن کمر همت بر میان بست و قریب هجده صفحه مطلب درباره این روزنامه در کتاب خود آورد. سیدفرید قاسمی به نظر نگارنده این سطور صیاد صید لحظه‌هاست.

به هر صورت، سرگذشت مطبوعات ایران که به این راحتی به دست خوانندگان رسیده به سهولت فراهم نیامده است. حقیقت امر این است که «تا گل شکفته شد کمر باغبان شکست» آرزو می‌کنیم سیدفرید قاسمی در پرداختن به کار نشریه کتاب هفته از کار اصلی خود که تحقیق در تاریخ مطبوعات کشور است بازماند و جناب آقای رمضان‌پور مجال بیشتری را برای تحقیق آقای قاسمی بگذارد.

حروف‌سازی در ایران، محاکمه‌های مطبوعاتی، مطبوعات فارسی برون‌مرزی، زندگینامه نامداران مطبوعات، عبدالله نامی خلجستانی - میرزاعلی‌خان نائینی - صفاءالسلطنه، ابوالحسن غفاری - (طبع‌الملک)، ماردروس خان - ابوتراب غفاری محمدرضا کلهر، روزنامه ایران، وقایع عدلیه، روزنامه علمی و صدها عنوان دیگر.

سیدفرید قاسمی روزنامه‌های دوره ناصر را سطر به سطر می‌خواند و از آنچه که موردنیاز او برای روشن شدن سرگذشت مطبوعات کشور بود، یادداشت‌برداری می‌کرد. هیچ وقت به سراغ من نیامد که پنج، شش یادداشت کوچک همراه نداشته باشد و به دنبال مطلبی نباشد.

موضوع‌بندی کار قاسمی در سرگذشت مطبوعات بسیار جالب است. برای هر موضوعی مبحث جداگانه‌ای در نظر گرفته و خواننده خود را از سردرگمی نجات بخشیده است. علاوه بر موضوعات اصلی که روی روال درستی تدوین و تألیف شده آنچه که به صورت ضمیمه در کتاب آمده است نیز برای هر محقق که درباره تاریخ مطبوعات کشور کار می‌کند قابل استفاده همیشگی است. بسیاری از تصاویری که در پایان جلد دوم کتاب آمده برای خوانندگان کتاب ناشناخته هستند. تصویر کلیم، مدیر روزنامه فرهنگ اصفهان که روی جلد و داخل آمده برای اولین مرتبه به چاپ رسیده است. قریب ۱۵۰ تصویر سند بر کتاب خود افزوده که به کار محققان خواهد آمد.

روزنامه‌هایی را که زنده‌یاد صدرهاشمی نامی از آنها در فهرست خود آورده است سیدفرید قاسمی با زحمت بسیار از گوشه و کنار کتابخانه‌های شخصی بیرون کشیده و سرنوشت آنها را به طور دقیق روشن کرده است. تعدادی از نشریاتی را که سیدفرید قاسمی در کتاب گرانقدر سه جلدی خود به معرفی کامل آنها پرداخت تا چند سال پیش برای تاریخ‌نگارانی هم که در زمینه مطبوعات کشور قلم می‌زدند، شناخته نبودند؛ ازجمله روزنامه اردوی همایون، دوره اول روزنامه وقایع عدلیه روزنامه دارالفنون تبریز که به همت شاعر، استاد ایرج‌میرزا در تبریز انتشار یافته است؛ یا برخی از شماره‌های روزنامه ملتی، یا فرهنگ اصفهان، یا منطبعه فی‌الفارس زنده‌یاد صدرهاشمی که قافله‌سالار این کار جانکاه بود، تنها اسمی از این روزنامه‌ها شنیده یا خوانده بود و بسیاری از آنها را ندیده بود. با نگاهی گذرا به نمایه کتاب سرگذشت مطبوعات ایران می‌توان دریافت که مؤلف بر سر تألیف این کار چه مایه

روزنامه‌هایی را که زنده‌یاد صدر
هاشمی نامی از آنها در فهرست
خود آورده است سیدفرید
قاسمی با زحمت بسیار از گوشه
و کنار کتابخانه‌های شخصی
بیرون کشیده و سرنوشت آنها
را به طور دقیق روشن
کرده است